



اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.

**منصور حکمت**

www.m-hekmat.com

دوره دوم

۵۰

جمعه، ۶ شهریور ۱۳۸۳

۲۷ اوت ۲۰۰۴

جمعه ها منتشر میشود

# انترناسیونال

سردبیر: سیاوش دانشور

anternasional@yahoo.com

Fax: 001-519 461 3416

صفحه ۸

به سازمانها و اتحادیه های کارگری

موضوع احضار ۴ نفر از فعالین کارگری ایران  
به دادگاه توسط جمهوری اسلامی

مبارزه کارگری علیه خطر

اخراج و بیکارسازی

صفحه ۸

اعتراض مردم و جوانان

گناوه در استان بوشهر

صفحه ۸

## بیانیه حزب کمونیست کارگری ایران پیرامون انشعاب بخشی از کمیته مرکزی

مواضع عملا بازگشتی به کمونیسم های بورژوازی و سنت های راست و شناخته شده ای است که نمی خواهد همین امروز و در دل انقلابی که علیه جمهوری اسلامی و اوضاع موجود در میگیرد، برقراری جمهوری سوسیالیستی و تحقق فوری سوسیالیسم را در دستور قرار دهد.

این جریان انشعابی مصداق این واقعیت تلخ دهه های گذشته  
صفحه ۲

عموم قرار دارد) نشان میدهد که این انشعاب از موضعی راست صورت گرفته است. مضمون مباحث و مواضع انشعابیون که بطور پیگیر از جانب رفیق کوروش مدرسی مطرح میشود، چه در زمینه برنامه و استراتژی و چه تاکتیک و تحزب و سبک کار، عملا خلاف برنامه حزب کمونیست کارگری، مواضع مصوب و اعلام شده کنگره های تاکنونی حزب و مبانی کمونیسم کارگری و مباحث حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی است. این

آخرین مرحله حاضر نشدند به کنگره مستقیم اعضای حزب بعنوان يك راه حل فوری و سریع که توسط حمید تقوایی لیبر حزب فراخوانده شد بیایند و به رای و تصمیم اکثریت کردن بگذارند. آنها ضمن ارائه تصویری سرتاپا وارونه و دروغین از جریان مباحثات درونی سرانجام انشعاب را بر ماندن ترجیح دادند. حتی نگاهی کوتاه به اسناد جدال های درونی حزب ما (که اکنون در سایت روزنه در اختیار

روز ۲۴ اوت ۲۰۰۴ بخشی از اعضای کمیته مرکزی حزب اعلام انشعاب کردند. این انشعاب وقتی از نظر این رفقا اجتناب ناپذیر گردید که در پی دو ماه مبارزه نظری وسیع و شفاف با شرکت فعال و پرشور کادرهای حزب، مواضع انشعابیون با مخالفت وسیع و همه جانبه اکثریت بالای کادرهای حزب رویرو گردید. رفقای انشعابی که اکثریت آنها بارها عدم تعهد خود را به کنگره و رای اکثریت اعلام کرده بودند در

برعکس نهند نام زنگی کافور

نظری بر اطلاعیه اعلام

موجودیت حزب منشعبین

حمید تقوایی

صفحه ۳

نامه سرگشاده

به رفیق ریوار احمد لیدر  
حزب کمونیست کارگری عراق

حمید تقوایی

صفحه ۳

فرار از کنگره

در نقد بیانیه کناره گیری منشعبین

حمید تقوایی

صفحه ۴

اطلاعیه برگزاری

نشست دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۴

عروج و خروج راست از

حزب کمونیست کارگری

زمینه ها، توجیهات، عاقبت

فاتح بهرامی

صفحه ۵

### اطلاعیه برگزاری

### کنگره ۵ حزب کمونیست کارگری ایران

نمایندگان احزاب و جریانات سیاسی و همینطور رسانه های علاقمند به شرکت در کنگره میتوانند از طریق آدرسهای زیر برای کسب اطلاع از محل و دیگر جزئیات عملی شرکت در کنگره و ثبت نام تماس بگیرند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۴ اوت ۲۰۰۴ - ۳ شهریور ماه ۸۳

آدرسهای تماس:

تلفن تماس: 0044 777 98 98 968

آدرس تماس: shahla\_daneshfar@yahoo.com

فاکس: 0044 870 135 1338

پنجمین کنگره حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۱۸ و ۱۹ سپتامبر ۲۰۰۴ برگزار خواهد شد. این يك کنگره فوق العاده است که بدنبال مطرح شدن مباحث و اختلاف نظر در رهبری حزب حول مسائل سیاسی متعدد مربوط به انقلاب و استراتژی تصرف قدرت سیاسی و بمنظور به سرانجام رساندن این مباحثات تشکیل میشود. اسناد مربوط به این مباحث برای اطلاع عموم بزودی منتشر خواهد شد. از همه اعضای حزب میخواهیم که در این کنگره که کنگره مستقیم اعضا است فعالانه شرکت کنند.

کنگره پنجم به سنت تاکنونی حزب کنگره ای علنی است. علاقمندان میتوانند بعنوان ناظر در کنگره شرکت کنند. افراد،

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## از صفحه ۱ بیانیه حزب کمونیست کارگری ...

است که چگونه کمونیست‌هایی که خواسته‌اند با دست شستن از رادیکالیسمشان بخیال خود فعال و اهل عمل بشوند، خواسته‌اند بجای انقلاب و کارگران و مردم انقلابی "به قدرت خیره بشوند"، ناگزیر عملاً به دنباله‌چاه احزاب اصلی بورژوازی و پادوهای بازی قدرت تبدیل شده و سرانجام قربانی و یا به حاشیه رانده شده‌اند. تاریخ چپ در ایران و در جهان نمونه چنین احزابی را بسیار بدست داده است. اگر حزب انشعابیون بخواد به خطی که کورش مدرسی نمایندگی میکند ادامه بدهد سرنوشتی بجز این نخواهد داشت.

در پلنوم ۱۶ حزب که برای اولین بار تزه‌های کورش مدرسی مطرح گردید مخالفت قاطع اکثریت کمیته مرکزی و کادرهای حاضر، و حتی بسیاری از رفقای که امروز جزو انشعابیون هستند را برانگیخت. از پلنوم ۱۶ تا کنگره چهارم جدال‌های نظری حادی در سطح دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب در جریان بود تا اجازه ندهد این خط راست بر مواضع رسمی حزب مسلط شود. کنگره ۴ پیروزی خط رسمی حزب و کمونیسم کارگری منصور حکمت بود. و همه این رفقا، گرچه امروز برخی میگویند از سر مصلحت بوده است، به قطعنامه سیاسی کنگره رای دادند. بعد از کنگره چهارم رفته رفته این جریان عرصه را به خود تنگ دید و عملاً به مقاومت در مقابل اجرا و پیشبرد قطعنامه کنگره چهارم و متمم عملی آن در پلنوم بیستم (قطعنامه هویت اجتماعی دادن به رهبران عملی چپ) دست زد. شکایت و شکایت کشی و مقاومت عملی و عدم پیشبرد

بعد از تصرف قدرت سیاسی صورت خواهد گرفت! سوال اینست که چه کسی، چگونه و در چه پروسه‌ای تصرف قدرت کرده است؟ این حواله کردن انقلاب سوسیالیستی به بعد از تصرف قدرت بر این ترنخ نمای چپ بورژوازی، که رفیق کورش صریحاً در مباحثات درون حزبی بیان کرد، بنا شده است که "سوسیالیسم مردم را رم میدهد" و انقلاب سوسیالیستی "در شرایط حاضر" غیر ممکن است. این شیوه تصرف قدرت، و حتی شریک شدن در قدرت، علیرغم آنکه نقطه قوت خود را امکان‌پذیری و برخورد به سیاست بعنوان "هنر ممکن" میدانند، کاملاً تخیلی و در عالم واقع غیر ممکن است. حتی اگر از کمونیسم و آزادی و برابری تماماً دست بشوئید و به کمونیسمی از نوع حزب توده تبدیل شوید، حتی اگر بجای انقلاب دیپلماسی قدرت و تزه‌هایی مانند نافرمانی مدنی و مجلس موسسان و تشکیل دولت موقت با بازمانده‌های حاصل از فروپاشی جمهوری اسلامی و رفرائنوم و غیره را در برابر خود قرار بدهید - یعنی دقیقاً تزه‌هایی که در پلنوم ۱۶ کورش مدرسی مطرح کرد و تا روز استعفا مدافع آن بود - باز سرنوشتی بهتر از امثال حزب توده نخواهید داشت. دست شستن از رادیکالیسم، متکی کردن استراتژی تصرف قدرت بر چیزی بجز انقلاب، راه میان بری به قدرت نیست، سریعترین راه برای منزوی شدن در میان کارگران و مردم انقلابی است. ما امیدواریم کمونیست‌هایی که اکنون متأسفانه در صف انشعابیون هستند متوجه کلاه گشاد کلامی که طی دهه‌ها سر کمونیست‌های رادیکال رفته است بشوند. حزب انشعابیون با پلانتفرم و ترکیب امروزی اش میتواند يك جمع

سیاسی ناهمگون و پر از تناقض باشد و اختلافات و کشاکش‌ها در اولین نقطه عطف سیاسی و حتی پیش از آن در بین آنها بالا بگیرد. در هر حال اگر روی خطی که کورش مدرسی بروشنی نمایندگی میکند، و در همین بیانیه اعلام موجودیت به خورد کمونیست‌های ما داده شده، سیر کند جایگاه این حزب در قطب راست جامعه خواهد بود.

واضح است که حزب کمونیست کارگری هیچ علاقه‌ای ندارد که انشعابیون بیش از این به راست بچرخند. به هر درجه‌ای که این رفقا به «يك دنیای بهتر» متعهد بمانند نزد ما اعتبار و احترام خواهند داشت. بهر درجه‌ای که علیه جمهوری اسلامی مبارزه کنند نزد ما احترام خواهند داشت. اما از يك جهت حزب رفقای انشعابی برای ما متفاوت از احزاب دیگر است و آن اینکه میخواهد سیاست هایش را تحت نام کمونیسم کارگری و حکمتیسم عرضه کند. ما موظفیم که اجازه ندهیم حتی کوچکترین راست روی تحت نام حکمت و کمونیسم کارگری توجیه شود. ما اینرا تضمین میکنیم و اجازه نمی‌دهیم راست و کمونیسم بورژوازی که منصور حکمت از در بیرون کرده بود حالا تحت نام خود او از پنجره وارد شود. ما قاطعانه از منصور حکمت دفاع خواهیم کرد!

و بالاخره انشعاب اخیر اعلام شکست قطعی موضوعی راست در حزب کمونیست کارگری بود. علیرغم لطماتی که این انشعاب به ما تحمیل میکند، بیرون رفتن خط راست در عین حال نیروی ما را ده چندان میکند. تا همین جا انسجام و اتحاد و عزمی که بین کادرهای حزب بر سر مواضع تاکتونی حزب بدست آمده است يك پیشروی بزرگ

و منبع انرژی و تحرکی عظیم است. در واقع حزب کمونیست کارگری در آستانه يك انقلاب عظیم در ایران يك آمادگی وسیع و شورانگیز برای ایفای نقش خویش بدست آورد. دست آورد دیگر این جدال با خط راست این بود که عملاً حزب ما بیش از پیش به يك حزب علنی و شفاف و متکی بر اراده آگاهانه کادرهای کمونیست سوق یافت. جدال‌های اخیر نشان داد که هرچه علنیست و شفافیت بیشتر باشد، هرچه حزب بیشتر در دسترس مردم باشد، و هر چه بیشتر بر کادرهای کمونیست اتکا، کند بهتر از خودش دفاع میکند. در جریان این جدال‌ها حزب صاحب يك رهبری منسجم و متحد کمونیستی شد و نشان داد که چگونه چنین رهبری کمونیستی کلید همه پیشروی‌ها است. تا قبل از این انشعاب تلاش رهبری حزب این بود که اجازه ندهد موضوعی که هر کدامش میتواند باعث از دست دادن پایه‌های اجتماعی حزب در بین کارگران، زنان و جوانان شود، حاکم گردد. اکنون حزب با انسجام و اتحادی که بدست آورده است با تمام قوا رو به همین پایه اجتماعی کار خواهد کرد و ابعادی به مراتب عظیم تر و پر قدرت تر از موجودیت فعلی اش بدست خواهد آورد. این حزب اکنون چند گام به آن حزبی که پیروزی کمونیسم را در ایران ممکن کند، نزدیکتر شده است. کنگره پنج حزب حضور این حزب را با صدائی رسا تر و محکم تر از همیشه به جامعه اعلام خواهد کرد.

### زنده باد منصور حکمت حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ اوت ۲۰۰۴  
۴ شهریور ۱۳۸۳

## اسناد مباحثات درونی حزب کمونیست کارگری ایران

[www.anternasional.com/bahs-hkk.htm](http://www.anternasional.com/bahs-hkk.htm)

**به حزب کمونیست کارگری پیوندید!**

## برعکس نهند نام زنگی کافور

نظری بر اطلاعیه

اعلام موجودیت حزب منشعبین

حمید تقوائی



مطرح شده چنین است:

- تحولاتی که امروز در ایران در حال جریان است يك انقلاب نیست، بلکه تحولاتی است که به فروپاشی جمهوری اسلامی منجر میشود و حداکثر میتوان آنرا يك انقلاب دموکراتیک نامید. در انقلاب دموکراتیک بنا به تعریف کمونیستها بقدرت نمیرسد.

- بعد از فروپاشی جمهوری اسلامی باید با نیروهایی که قدرت به دامان آنها میافتد و با سایر نیروهای اپوزیسیون در يك دولت موقت ائتلافی شرکت کرد.

- حتی اگر حزب ما به تنهایی بقدرت برسد نباید سوسیالیسم را اعلام کنیم. سوسیالیسم مردم را رم میدهد و نیروهای پشت سر ما را که برای خواستهای دموکراتیک جمع شده اند پراکنده میکند.

- قیام يك خشونت تحمیلی است. راه متمدنانه دولت موقت + مجلس موسسان + فرمانروم است. و ...

این نظرات به روشنی با همه مبانی نظری و برنامه ای ما، با برنامه "يك دنیای بهتر" و کلیه سیاستهای تائکونی حزب و با جوهر و اساس دیدگاه نظری و سیاسی منصور حکمت در تناقض آشکار است، این کمونیسم کارگری نیست، کمونیسم غیر کارگری و دیدگاه عمیقاً راستی است که تمام کمونیسم کارگری در نقد و رد آن شکل گرفته و رشد کرده است.

اینها محور اختلافات سیاسی در درون حزب در دو سال گذشته بوده است. درگذشت منصور حکمت این فرصت را برای ارائه این بینش و تزه‌های راست توسط رفیق کورش مدرسی فراهم کرد. جناح چپ حزب قاطعانه در مقابل این سیاست ایستاد و اجازه نداد این سیاست ها که با جوهر کمونیستی و رادیکالیسم حزب کمونیست کارگری در تناقض آشکار بود، به سیاست حزب تبدیل شود. با اینهمه بخشی از اعضای کمیته مرکزی در مقابل این بینش

استراتژی حزب برای تصرف قدرت، حزب و انقلاب، حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی، و مسائل پایه ای دیگری در این زمینه، حزب ما همیشه خواهان سوسیالیسم فوری و بلاواسطه و رهبری و سازماندهی تحولات انقلابی موجود و حاضر برای رسیدن به این هدف بوده است. در برنامه و در تمام ادبیات ما هدف ما سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری فوری جمه‌وری سوسیالیستی اعلام شده است. ما می‌خواهیم در همین تحولات موجود، در همین انقلابی که دارد جلوی چشمان ما در ایران شکل می‌گیرد، طبقه کارگر و بخش وسیعی از مردم را که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند بیدار و یاریم و آزادی و برابری و حکومت کارگری را برقرار کنیم. برای ما انقلاب علیه جمهوری اسلامی سوسیالیستی است، ما با رهبری و سازماندهی جنبش سرنگونی آنرا به يك انقلاب سوسیالیستی تبدیل میکنیم و برقراری سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی هدف فوری و بلاواسطه ما در این انقلاب است. برای حزب ما شرط تصرف قدرت سازماندهی انقلاب سوسیالیستی است و نه برعکس.

آنچه در يك جمله در اطلاعیه این رفقا آمده فشرده خط و نظری است که طی دو سال گذشته و بویژه دو ماه اخیر از جانب جناح چپ حزب مورد نقد قرار گرفته است. رفقا در واقع حزب ما را ترك کردند چون از پاسخ دادن به این نقد ناتوان بودند. اسناد مباحثات درونی حزب هم اکنون روی سایت حزب و انترناسیونال و روزنه در اختیار همگان است. این اسناد بروشنی نشان میدهد که مواضع مطرح شده از جانب رفیق کورش مدرسی يك دیدگاه راست و کاملاً مغایر با سیاستهای حزب ما را نمایندگی میکند. برخی از این مواضع و تزه‌ها که صریحاً بوسیله کورش مدرسی

جمعی از رفقای مستعفی از حزب کمونیست کارگری ایران در اطلاعیه ای تشکیل حزبی تحت نام "حزب کمونیست کارگری - حکمتیست" را اعلام کرده اند. بخش اعظم اطلاعیه تکرار اهداف و سیاستهای حزب کمونیست کارگری است و در نگاه اول خواننده آشنا با حزب ما درک نمیکند که چرا این رفقا از ما جدا شده و حزب دیگری تشکیل داده اند. اما با کمی دقت، با دیدن جمله ای در اطلاعیه که در واقع سر نخ همه اختلافات سیاسی موجود در حزب ما را بدست میدهد، متوجه میشوید که تفاوت این حزب جدید با حزب منصور حکمت در چیست. اطلاعیه میگوید "حزب کمونیست کارگری - حکمتیست ایجاد يك حزب سیاسی مدرن، اجتماعی و توده ای کمونیستی در ایران و تصرف قدرت سیاسی را بعنوان شرط سازمان دادن انقلاب اجتماعی طبقه کارگر هدف قرار میدهد". بعبارت دیگر رفقا هدفشان سازماندهی انقلاب اجتماعی طبقه کارگر است اما بعد از تصرف قدرت، یعنی فعال و در مبارزه علیه جمهوری اسلامی رفقا قصد سازماندهی انقلاب سوسیالیستی را ندارند، بلکه میخواهند بعداً، بعد از تصرف قدرت سیاسی، انقلاب اجتماعی طبقه کارگر را سازمان بدهند. در برابر این تز مشعشع "انقلاب سوسیالیستی بعداً" که يك جزء اصلی و همیشگی کمونیسم منصور حکمت نقد و افشای آن بوده است، دو سوال مطرح میشود: اولاً در حال حاضر و در مقابل جمهوری اسلامی میخواهید چگونه بقدرت برسید؟ پروژه تصرف قدرت سیاسی بدون انقلاب سوسیالیستی چیست؟ و ثانياً چطور میخواهید بعد از تصرف قدرت انقلاب سازمان بدهید؟ انقلاب علیه کی؟ علیه دولت خودتان؟!

مضمون اختلافات سیاسی در رهبری حزب ما حول همین نوع مسائل پایه ای بوده است. مساله

## نامه سرگشاده

به رفیق ربیوار احمد لیدر

حزب کمونیست کارگری عراق

در رابطه با حمایت از انشاعیون از

حزب کمونیست کارگری ایران

حمید تقوائی

اختلافات درونی احزاب، مباحثاتی که هنوز جامعه از آن بی خبر است، موضعگیری نمیکند. من در اینجا به مضمون این اختلافات نمیپردازم. تبیین رسمی حزب ما از ماهیت سیاسی این اختلافات در بیانیه حزب آمده است و با انتشار اسناد مباحثات بزودی حقانیت این تبیین بر همه روشن خواهد شد. حزب شما نیز قاعدتاً میبایست تا انتشار علنی این مباحث صبر میکرد و سپس موضع سیاسی اتخاذ میکرد. نظر شما در مورد اختلافات درونی حزب ما هر چه باشد، نمیباید در موضعگیری رسمی حزب شما نسبت به انشعاب کوچکترین تأثیری میداشت. منافع مشترک جنبش کمونیسم کارگری و دو حزب ما چنین حکم میکرد که تا روشن شدن شدن اختلاف نظرات در سطح جامعه از حمایت از انشاعیون خودداری میکردید. این موضع اصولی مسلماً وحدت و انسجام صفوف حزب خود شما را نیز بهتر میتوانست حفظ کند. امیدوارم به عمق اشتباهی که کرده اید پی ببرید و سریعاً آنرا تصحیح کنید.

اجازه بدهید مراتب تأسف عمیق و انتقاد و اعتراض شدید خود را نسبت به اعلام پشتیبانی یکجانبه شما از بخش انشعابی از حزب کمونیست کارگری ایران اعلام کنم. این يك موضع گیری کاملاً غیر اصولی و غیر مسئولانه است. دو حزب ما همواره بعنوان احزاب متعلق به جنبش کمونیسم کارگری روابط گرم و نزدیک و رفیقانه ای داشته اند. سئوالی که با دیدن بیانیه حمایت شما از بخش منشعب حزب ما برای هر کس و بویژه اعضا و کادراهای حزب شما مطرح میشود اینست که چه شده که ناگهان حزب ما جای خود را به بخش منشعب داده است؟ در اهداف و سیاستهای ما تغییری داده شده است؟ و یا همان يك صفحه بیانیه اعلام موجودیت حزب انشاعیون به شما نشان داده است که پرچم منصور حکمت در دست آنهاست؟ بر مبنای همان يك صفحه تشخیص داده اید که مردم ایران باید به حزب منشعب بپیوندند؟

رفیق ربیوار با کمال تأسف باید بگویم که این موضع گیریهای حزب شما با ابتدائی ترین اصول سیاسی حاکم بر روابط بین احزاب مغایر است. هیچ حزب سیاسی و اجتماعی جدی که برای خود و احزابی که با آنها مناسبات نزدیکی دارد احترام قائل است بر اساس بحثها و

سکوت و مباحثات کرد و بتدریج به بلوکی در مقابل جناح چپ حزب تبدیل شد و نهایتاً راه جدائی در پیش گرفت. من امیدوار بودم نظراتی که بوسیله رفیق کورش مدرسی در حزب ابراز شد و رفقای دیگر

با احترام

حمید تقوائی

دبیر کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ اوت ۲۰۰۴

مستعفی صریحاً از آن حمایت نمیکردند، به خط حزب جدید تبدیل نشود. ظاهراً این امید عبثی بوده است. اطلاعیه اعلام موجودیت این حزب سنگ اول را کج گذاشته است. امیدوار باشیم تا ثریا نرود دیوار کج. \*

## فرار از کنگره

در نقد بیانیه کناره گیری مشعبین

حمید تقوائی

متاسفانه بیست و چهار نفر از اعضای کمیته مرکزی چهل و شش نفره حزب ما طی بیانیه ای استعفاي خود از حزب را اعلام کرده اند. تاسف به این خاطر که رفقائی که سالها در کنار هم مبارزه واحدی را به پیش میبردیم صفوف ما را ترک میکنند در حالی که جدائی آنها ضرورتی نداشت، میتوانستند بمانند، در کنگره پنجم حزب که بزودی تشکیل میشود شرکت کنند و بحشها و نظرات خود را در عالیترین ارگان حزبی مطرح کنند.

تاسف من از اینرو نیز هست که بیانیه اعلام برکناری آنها بر جعل و تحریف حقیقت متکی است. بیانیه به مساله واقعی و اصلی که در نهایت به کناره گیری رفقا منجر شد، یعنی به اختلاف نظرات سیاسی که طی چند ماه گذشته رهبری حزب را فلج کرده بود" مطلقا هیچ اشاره ای نمی کند و در عوض تصویری بدست میدهد که گوئی علت کناره گیری امضا کنندگان بیانیه اختلاف بر سر برگزاری کنگره و پلنوم بوده است. در تبیین و ارزیابی حزب در مورد جدائی منسعبین جوهر این اختلاف نظرات سیاسی توضیح داده شده است و بی شک در این مورد بیشتر صحبت خواهیم کرد و خواهیم نوشت. اسناد این مباحثات نیز روی سایت حزب، انترناسیونال و روزنه در دسترس عموم است. همه میتوانند به این اسناد رجوع کنند و صحت تبیین و ارزیابی حزب را دریابند. قصد من در این نوشته پاسخگوئی به ارزیابی بی پایه، غیر سیاسی و بدور از حقیقتی است که در بیانیه منسعبین مطرح شده است.

قبل از هر چیز خود این واقعیت که در رهبری حزب اختلافاتی وجود داشت که طی چند ماه گذشته رهبری حزب را فلج کرده بود" برای نشان دادن این نکته کافی است که گرگه کار بدست ارگان بالاتر این رهبری به بن بست رسیده، یعنی کنگره، قابل کشودن است. من از

اصولی نیست. در هیچ حزبی هیچ کمیته ای با انشعابین مشروط تشکیل جلسه نمیدهد و تصمیم گیری نمیکنند. از آنان بارها و مضرانه خواستم که تهدید انشعاب را از بالای سر پلنوم بردارند، تابع نظر اکثریت بشوند و به پلنوم و کنگره بیایند. اما رفقا همچنان بر مخالفت خود با کنگره و مواضع غیر اصولی خود پا فشردند و عاقبت حزب را ترک کردند.

آنچه در مورد کنگره فوق العاده در بیانیه آمده است نیز تماما معجول و بدور از حقیقت است. من تمام اعضا و کادرهای حزب و از جمله خود این رفقا را به کنگره فراخوانده ام و نه "جمعی از اعضای حزب در خارج کشور" و یا "اعضای هم خط اقلیت کمیته مرکزی". این کنگره وسیع و مستقیم همه کادرها و اعضا است و همه میتوانند با حق رای در آن شرکت کنند. این کنگره اعمال نظر و اراده مستقیم کادرها و اعضای حزب است و با در برگرفتن بخش عظیمی از اعضا و کادرهای حزب به دموکراتیک ترین و شفاف ترین شیوه همه حزب را نمایندگی خواهد کرد.

در شرایط ویژه حزب ما و با توجه به ضرورت اقدام سریع برای خاتمه دادن به وضعیت غیر عادی و بلا تکلیف فعلی، کنگره باید هر چه سریعتر برگزار میشد و این سریعترین و در عین حال اصولی ترین و دموکراتیک ترین راه برگزاری کنگره بود. نکته دیگر اینکه مخالفت رفقا با برگزاری کنگره هیچ ربطی به این ویژگی ها نداشت. رفقا اصولا با برگزاری کنگره در این شرایط مخالف بودند و این مخالفت خود را قبل از اعلام برگزاری کنگره مستقیم اعضا اعلام کرده بودند. بنابراین انتقاداتی که به کنگره مستقیم اعضا طرح کرده اند ربطی به تصمیم آنها به عدم شرکت در کنگره و ترک حزب ندارد.

جدا از جنبه های اصولی که توضیح داده شد از نظر عملی نیز روشن بود که پلنوم قادر به حل هیچ مشکلی نیست و حتی میتواند وضعیت حزب را وخیم تر کند. مشکل واقعی به بن بست رسیدن و فلج ارگانهای رهبری حزب بدنبال اختلاف نظرات سیاسی بود که پس از مرگ منصور حکمت در رهبری حزب بروز کرد و پلنوم بعد از پلنوم

خود را به اشکال مختلف نشان داده بود. روشن بود که نشست کمیته مرکزی به بن بست رسیده نمیتوانست مساله را حل کند. کمیته مرکزی که حول اختلاف نظرات مهم و عمیق سیاسی به دو نیمه تقسیم شده بود خود جزئی از صورت مساله بود و نه راه حل. هر کس اندک آشنائی با سازمان احزاب داشته باشد میدانند که در چنین شرایطی تنها ارگان بالاتر کمیته مرکزی یعنی کنگره میتواند گره کار را باز کند. کنگره فوق العاده دقیقا برای چنین شرایطی پیش بینی شده است. همه چیز حاکی از آن بود که تشکیل کنگره در این مقطع برای حزب ما امری مطلقا ضروری و حیاتی است. با اینهمه رفقای ما این تنها راه حل واقعی و اصولی را نپذیرفتند و حزب را ترک کردند. علت واقعی مخالفت رفقا با کنگره این بود که پس از انتشار مباحث در

میان کادرهای حزب دریافتند که اکثریت بالائی از کادرها با نظرات آنان مخالفند. رفقا حزب را ترک کردند چون نمیخواستند در اقلیت باشند. چون نگران آن بودند که مجددا به کمیته مرکزی انتخاب نشوند. بیانیه همه چیز میگوید تا همین حقیقت ساده را ناگفته بگذارد. رفقا نظرات سیاسی ای مطرح کردند که اکثر کادرهای حزب را در برابر خود بسیج کرد و روشن بود که کنگره این نظرات را نقد و رد خواهد کرد. برای درک ریشه و علت اصلی این اختلاف نظرها بر سر کنگره و پلنوم و در نهایت کناره گیری رفقا باید به مضمون این اختلاف نظرات سیاسی پرداخت. سر نخ این اختلافات در بیانیه اعلام موجودیت حزب منسعبین بدست داده شده که من در نوشته دیگری در همین شماره انترناسیونال به آن پرداخته ام. \*

### اطلاعیه برگزاری نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

روز سه شنبه ۲۴ اوت ۲۰۰۴ دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران اولین نشست خود پس از جدایی عده ای از اعضای کمیته مرکزی را با شرکت کلیه اعضای دفتر سیاسی و با حضور حمید تقوائی لیبر حزب برگزار کرد. دستور جلسه این نشست عبارت بود از بحث پیرامون این جدایی، تشکیل کنگره ۵ حزب در تاریخ ۱۷ و ۱۸ سپتامبر، نقشه عمل های فعالیت های حزب و انتخاب رئیس دفتر سیاسی.

دفتر سیاسی در مورد چگونگی مقابله با پیامدهای این جدایی و خطوط فعالیت های حزب در این دوره بحث کرد و بر تعهد حزب در برافراشته نگاه داشتن هر چه قاطع تر پرچم کمونیسم کارگری و سنت منصور حکمت تاکید کرد. نشست همچنین اعلام کرد که برای شرکت هر چه وسیعتر اعضای حزب در کنگره ۵ باید تلاشی فشرده انجام گیرد و فعالیت های حزب قاطعانه و فعالانه به پیش برده شود. در انتها انتخابات برای تعیین رئیس دفتر سیاسی برگزار شد و آذر ماجدی باتفاق آراء به ریاست دفتر سیاسی انتخاب شد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۵ اوت ۲۰۰۴

Tel: 0044-779-1130-707  
Fax: 0044-870-135-1338  
Email: markazi@ukonline.co.uk

دفتر مرکزی حزب

رادیو انترناسیونال

۲۱ متر ردیف ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹ به وقت تهران

# عروج و خروج راست از حزب کمونیست کارگری

## زمینه ها، توجیحات، عاقبت

### فاتح بهرامی



میدهد. ثانیاً ما، بعنوان يك حزب بزرگ اجتماعی و نه يك فرقه حاشیه ای، با دیوار چین از جامعه جدا نمیشویم. این جنبشهای فعال در جامعه روی ما فشار میگذارند و بخصوص، و این مهم است، وقتی که کورش مدرسی انقلابی را در چشم انداز نمیبیند و یا وقتی در هنگام عقب نشینی از آن بعنوان انقلاب دمکراتیک حرف میزند که کمونیست ها را بقدرت نمیرساند، و بالاخره این نکته که بنظر من حزب را در موقعیتی نمیبیند که بتواند این انقلاب را رهبری و سازماندهی کند تا کمونیسم را پیروز کند، آنگاه دو راه بیشتر برایش باقی نمیماند: یا باید به چپ حاشیه ای تبدیل شود که خلوص ایدئولوژیکش را حفظ کند و رادیکال بماند یا اینکه بخواهد اجتماعی شود و نقش ایفا کند اما در سوسیالیسمش آب بریزد. هر دوی اینها در تاریخ احزاب چپ بوفور یافت میشود. کورش مدرسی دومی را انتخاب میکند چون نمیخواهد حاشیه ای بماند. اما مساله اینجاست که این نظرات مستقیماً در مقابل منصور حکمت قرار میگردد، در مقابل بحث "آیا کمونیسم در ایران میتواند پیروز شود" و در مقابل کنگره سوم حزب و قطعنامه هائی که منصور حکمت در کنگره سوم به تصویب رساند. و سرانجام بعد از دو سال کشمکش هنگامی که در اولین سمینار خود در ۴۰ روز قبل بعد از علنی شدن اسناد در میان کادرها از بحثهای خود قاطعانه دفاع میکند و تئوریزه هم میکند، آنگاه در مقابل کنگره چهارم و قطعنامه های آن هم قرار میگردد. تمام تلاش منصور حکمت در این سالها این بود که کمونیسم را با تمام رادیکالیسم و ماکزیمالیسمش توده ای کند. صحبت این بود که کمونیسم در ایران شانس دارد و جامعه به ما روی میآورد و کمونیسم میتواند اجتماعی شود و قدرت شود، صحبت بر سر امکان پیروزی کمونیسم بود و نه بر سر امکان رم کردن از سوسیالیسم و اعتصاب شاطرها و اسلحه برداشتن دهقانان بدلیل پیاده کردن سوسیالیسم!

### اوضاع سیاسی ایران و مبانی اختلافات

حتی اگر مباحث "سوسیالیسم مردم رارم میدهد" و "نافرمانی مدنی" و "مجلس موسسان + فراتدوم + دولت موقت" هم مطرح نمیشد، نفس

از انقلاب و نظیر اینها اگر منصور حکمت زنده بود امکان طرح در حزب نداشت و اگر کسی آنرا با منصور حکمت مطرح میکرد قطعاً در مقابل نقد منصور حکمت و اشاره ای به "مسیر بیست ساله" مجبور میشد فوراً از حزب برود، تجربه دو بار یکی در زمان جدائی از حزب کمونیست ایران و بار دیگر در آوریل ۹۹ را همه به یاد داریم. اما در غیاب منصور حکمت این مساله دو سال طول کشید. در واقع درگذشت منصور حکمت و خلا این تئوریه سیاسی در حزب امکان داد که سکوت سرشار از ناگفته ها شکسته شود و راهی باز شود برای پر کردن "خلا در استراتژی ما" که محمل طلائی طرح این نظرات راست در مقابل سنت منصور حکمت شد. اما این به تنهایی دلیل کافی برای عروج این پرچم نیست، چون نه توطئه ای در کار بوده و نه شخص کورش مدرسی بطور کلی راست بوده است، و اینجاست که فاکتور مهم و اصلی دیگر یعنی اوضاع سیاسی ایران و موقعیت حزب وارد میشود. در غیاب منصور حکمت، چگونگی وارد شدن به "قسمت گود استخر سیاسی" میتواند جوابهای متفاوت و همراه با دست انداز داشته باشد، دست اندازی که عبور از آن بدلیل عدم حضور منصور حکمت ممکن است ساده نباشد و چنین شد.

اما قبل از وارد شدن به این فاکتور دوم يك نکته مهم است. اگر این درست است که طرح این نظرات و سیاستها از راست بودن علی العموم رفیق کورش نیست و طرح بحثهایی همچون "اقدام به پیاده کردن سوسیالیسم در همان ابتدای بقدرت رسیدن خود ما مردم را ضرب اول از ما دور میکند" در تمام بیست سال گذشته در حزب ما بیسابقه بوده است، آنگاه سوال اینست که این نظریه راست و مولفه های دیگر آن که در بالا به آن اشاره شد چرا در حزب ما سربلند میکند؟ جواب بسادگی اینست که اولاً این نظرات و شعارها در خارج حزب ما پرچمش برافراشته است و جنبشهای آنرا حمل میکنند و احزاب سیاسی گوناگونی وجود دارند که هویتشان را اینها تشکیل

يك مارکسیست بزرگ دوران معاصر بود که پس از لنین در تاریخ جنبش کمونیستی کارگری به میدان آمده بود. منصور حکمت به اعتبار بیش از بیست و پنج سال مبارزه بی امان علیه بورژوازی و انواع کمونیسم بورژوائی و تلاش موفق برای قدرتمند کردن کمونیسم در ایران در عرصه تئوری و سیاست و پراتیک انقلابی و کمونیستی به يك اتئوریه معنوی و سیاسی عظیم در حزب ما و در جامعه تبدیل شده بود. دو حزب را در تندپییچ های مهمی که پرچم های غیر کمونیستی در آن بلند شده بود عبور داده بود و وجودش اطمینان خاطر برای رهبری حزب بوجود آورده بود و خود او دائماً از این اطمینان خاطر اظهار ناراضیاتی میکرد. ناگهان رفت و چشم انداز يك زلزله شدید را در حزب ایجاد کرد. اما در عین حال آنچه از گنجینه بزرگی که از تئوری و سیاست و سنت بجا گذاشته بود ما را به نگهداشتن حزب و ادامه راهش امیدوار کرده بود و چنین شد، کنگره چهارم حزب آنرا اثبات کرد، اثبات حقانیت و تاثیر کارش بود. از طرف دیگر اینهم معلوم بود که اگر اختلافی بروز کند، هر طرف به منصور حکمت رجوع خواهند کرد، زیرا هر خط و نظری که در حزب منصور حکمت عروج کند و اگر نخواهد مستقیماً و علناً علیه آن بایستد نمیتواند هم در حزب و هم در جامعه بدون رجوع به او خود را چپ و رادیکال معرفی کند. اینهم چنین شد. گروه منشعب امروز اسم حکمت را به حزیش میچسباند تا برای طرح سیاست راست در حزب و توجیه آن بتواند تئوری بتراشد. "نافرمانی مدنی"، طرح بازی دیپلوماسی و رعایت قواعد بازی با احزاب بورژوائی برای شرکت در يك "دولت موقت" بر اساس "زفراندوم" و "مجلس موسسان" و اصرار بر راه حل "متمدنانه" در مقابل انقلاب و قیام بعنوان "خشونت تحمیلی"، تر "اعلام سوسیالیسم زود است" در شرایطی که حتی حزب ما به تنهایی بقدرت برسد، و ارزیابی قدیمی و منشیوکی

که اکثرشان با سیاستهای مطرح شده راست و مغایر با برنامه و خط منصور حکمت توافق نداشتند اما در مقابل آن سکوت و مامشات کرده بودند، تصمیم گرفتند که بروند و متاسفانه زیر بیانیه ای برای تشکیل حزبشان امضا گذاشتند که در يك جمله جوهر همان سیاستهای راست را منعکس میکند.

قطعاً بحث درباره دلایل این انشعاب و روندهائی که به آن منجر شد مفصل است. در اینجا من تلاش میکنم بطور مختصر به چند نکته اساسی در این روند اشاره کنم و از آن نتیجه بگیرم که علیرغم لطمه اندکی که به لحاظ از دست دادن نیرو در درون حزب و در کوتاه مدت بما تحمیل میشود، اما حزب ما قوی تر و منسجم تر بر خط کمونیسم کارگری خواهد ایستاد و نه تنها این از دست دادن نیرو را جبران خواهد کرد بلکه در عرصه سیاست در ایران قدرتمند تر کمونیسم کارگری را نمایندگی خواهد کرد. چند نکته اساسی که میخواهم به آنها اشاره کنم اینها هستند: به سرانجام رسیدن تاثیرات مرگ منصور حکمت در حزب ما و زمینه ها و دلایل عروج نظرات راست در حزب کمونیست کارگری، نگاه راست به مساله انقلاب و تصرف قدرت سیاسی، نحوه رجوع به منصور حکمت و اشکال ظریف به زیر سوال بردن منصور حکمت و نظرات وی، واکنش منشعبین به نقد سیاسی چپ و دلایل آن، و برخی نکات دیگر.

### زمینه های عروج نظرات راست در حزب

درباره دلایل و زمینه های عروج نظرات راستی که به موارد آن اشاره خواهم کرد و پرچم آن توسط رفیق کورش مدرسی در حزب بلند شد باید به دو نکته اساسی اشاره کرد: فقدان منصور حکمت، و اوضاع سیاسی ایران و چشم انداز انقلاب و ارزیابی از موقعیت حزب برای تصرف قدرت سیاسی. منصور حکمت "فائد نبود. او يك رهبر و سازمانده کمونیست و

سرانجام پس از دو سال بحث بر سر اختلافات سیاسی درون حزب کمونیست کارگری ایران که بدنبال درگذشت منصور حکمت در رهبری حزب رخ داد و پس از کنگره چهارم تا امروز که به اوج خود رسید، ۲۴ نفر از اعضای کمیته مرکزی حزب استعفا دادند و در بیانیه ای با امضای ۴۵ نفر از اعضا و مشاورین کمیته مرکزی اعلام حزب دیگری کردند. هرچند از هم اکنون و با علنی شدن اسناد مباحثات درونی مربوط به این اختلافات بر همگان روشن است که این انشعاب يك انشعاب راست از حزب کمونیست کارگری است، اما از آنجا که حزب کمونیست کارگری بعنوان حزب طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران نقطه امید اساسی برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و برپائی يك جامعه انسانی است، این واقعه در ابتدا ممکن است برخی از دوستداران حزب را در مورد وحدت و یکپارچگی حزب نگران کند، بخصوص اینکه گروه منشعب برای شانه خالی کردن از زیر بار دلایل عقب نشینی و ناکامی خود در تبدیل کردن سیاستهای راست به اهداف و پراتیک حزب ما تصویر وحدت طلبانه از خود به اعضای حزب و جامعه میدهد که گویا عدم توجه ما به آن آنان را وادار به استعفا از حزب کرده است. اما شکی نیست که دوره این نگرانی بسیار کوتاه خواهد بود، جامعه به واقعیات سرسخت در عرصه سیاست واقف است و به جایگاه احزاب سیاسی و سیاستهایشان نگاه کرده است و گروه منشعب را هم در همین متن ارزیابی خواهد کرد. قطعاً میشد این انشعاب صورت نگیرد، میشد این رفقا در حزب بمانند و به ادامه خط کمونیسم کارگری و منصور حکمت پایبند میشدند، میشد روی خط رادیکال و کمونیستی کنگره ۴ که پس از درگذشت منصور حکمت برگزار شد بمانند، اما متاسفانه چنین نشد. کنگره چهارم حزب را محصول "سازش" دانستند و برایشان "تمایش وحدت" بود و سرانجام بلوک این رفقا،



زیر سوال بردن انقلاب حاضر برای به قدرت رسیدن کمونیسم تماما یک نظریه راست است. منصور حکمت در بحث "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود؟" به دو جنبه برای بقدرت رسیدن ما تاکید میکند. یکی انتخابات و یکی انقلاب. در مورد انتخابات میگوید اگر یک انتخابات کاملاً آزاد وجود داشته باشد و سه ماه امکان فعالیت آزاد سیاسی برای ما باشد مردم در انتخابات ما را انتخاب میکنند. این تاکید بر جایگاه حزب کمونیست کارگری و ارزش و اهمیت آن برای مردم است، تاکید بر این است که جامعه بین چپ و راست ما را انتخاب خواهد کرد بشرط اینکه ما خود را بتوانیم در دسترس قرار دهیم و قدرتمند باشیم. اما بلافاصله تاکید میکند که نمیگذارند، در انتخابات یا تقلب میکنند و یا دو روز بعد کودتا میکنند و از اینرو راه اصلی بقدرت رسیدن ما را انقلاب میدانند. کورش مدرسی در مقابل این بحث قرار میگیرد، دو سال پیش از فروپاشی حرف زد، سپس عقب نشینی کرد و گفت منظوم از فروپاشی شبیه انقلاب فوری بود و بالاخره گفت اگر هم انقلابی باشد دمکراتیک است که بنا بتعریف کمونیستها را بقدرت نمیرساند و او طرفدار انقلاب کمونیستی است! این بحث نه تنها آشکارا مقابل بحث "آیا کمونیسم میتواند پیروز شود" و مباحث و قطعنامه های کنگره سوم حزب است بلکه تا آنجا که به رابطه کمونیستها و انقلاب برمیگردد از بیست سال پیش ادبیات حزب ما جواب این بحث را داده است و از جمله بطور مفصل در نقد وحدت کمونیستی این مباحث مطرح شده است. سوال اینست که چه اتفاقی افتاده است که از یکطرف انقلاب حاضر دمکراتیک میشود و بجای حرف و سیاست تاکنونی ما درباره نقش کمونیستها در یک انقلاب حاضر صحبت از تشکیل دولت موقت با شرکت سایر احزاب بورژوازی میشود، و از طرف دیگر در این انقلاب آن نیروهای بورژوازی که خواهان انقلاب هستند کدامند که این انقلاب را دمکراتیک کرده است؟ اگر بحث بر سر مرحله بندی انقلاب در چهارچوب نظری و کلاسیک چپ تاکنونی نیست و همچنین بحث بر سر رشد نیروهای مولده نیست، که حرف کورش مدرسی هم این نیست، پس چه عاملی است که انقلاب حاضر را بزم وی دمکراتیک کرده است که

سیاسی" که در کنگره چهارم و پلنوم بیستم تصویب شد تلاش دیگری بود در راستای همان تلاش منصور حکمت در کنگره سوم. واقعا میتوانيد توضیح دهید که در متن تزهائی که مطرح کرده اید فرق "انقلاب اجتماعی" با انقلاب سوسیالیستی وحدت کمونیستی چیست که او هم انقلاب حاضر آزمون را سوسیالیستی میدانست؟ اما لازم است به وجه دیگری از تقابل مستقیم بحث های کورش مدرسی با نظرات منصور حکمت اشاره کرد، در مورد همین نیروهای رم کننده از سوسیالیسم. منصور حکمت باز هم در بحث آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود بر وجه دیگری از بحث سلبی - اثباتی که بنظر میرسد رفقای منشعب خیلی طرفدار آن هستند به یک نکته اساسی اشاره میکنند: میگویند وقتی جامعه با "نه" شما آمد با "آری" شما هم خواهد آمد. حرفش بر سر اینست که باید آنچهان قوی بشوی که به نمایندگی "نه" مردم تبدیل شوید و در اینصورت وقتی که شما را انتخاب کردند، یعنی بین چپ و راست چپ را انتخاب کردند، آنگاه به برنامه های شما هم آری خواهند گفت. پس میگویند مردم از سوسیالیسم ما رم نمیکنند! این مردم در متن تحول انقلابی در جامعه پشت سر حزب کمونیست کارگری آمده اند، هرچند که مانیفست و ادبیات کمونیسم کارگری را نخوانده باشند، اما میدانند که این حزب یک حزب کمونیستی است و طرفدار سوسیالیسم فوری است، آری آنها هم بنابراین به سوسیالیسم خواهد بود، ضرب اول نه تنها پراکنده نمیشوند بلکه در دفاع از حزب و در مقابل مقاومت راست مقاومت و جانفشانی خواهند کرد. گذشته از اینها راستش با یک حساب ساده دو دو تا چهار تا هم تر کورش مدرسی نامعتبر است. شروع به پیاده کردن اجزای سوسیالیستی برنامه، طبق همان طرح منصور حکمت که نیازهای اساسی جامعه را از دست بازار خارج کنیم، یعنی مثلاً غذا و مسکن و ترانسپورت و بهداشت و آموزش پرورش و امثال آن را مجانی کردن، باعث میشود ۹۰ درصد جامعه فقر زده و به لحاظ اقتصادی به فلاکت کشیده شده ایران ده ده برابر در دفاع از حزب کمونیست کارگری با تمام قوا در مقابل مقاومت جریانات رنگارنگ بورژوازی بچنگند، اگر باور ندارید اینرا از مردم پیرسید. حتی آن

دهقان که در مثال شما اسلحه علیه ما بر میدارد، با انجام اقداماتی در جهت پیاده کردن اجزای سوسیالیستی برنامه ما ده برابر وضع زندگی اش بهتر از آن میشود که تکه زمینش را داشته باشد ولی در یک سیستم مبتنی بر استثمار و بازار و پول زندگی کند. اما یک نکته هم راجع به اوضاع سیاسی ایران باید گفت، بخصوص اینکه در این اواخر در توجیه مباحث کورش مدرسی از جمله رحمان حسین زاده به این اشاره کرد که گویا "کانتکست" بحث پلنوم ۱۶ رفیق کورش و در اسنادی که اکنون در دسترس است، در نظر گرفته نشده و منظور وی همان شرایط سناریوی سیاه بوده که منصور حکمت هم درباره آن صحبت کرده بود! بحث سناریوی سیاه چند سال قبل از عروج جنبش سرنگونی بود که علاوه بر بحث مربوط به مسلح بودن دار و دسته های اسلامی و سایر نیروهای که در جریان فروپاشی رژیم به نیروهای سیاه تبدیل میشوند، یک فاکتور اصلی آن استیصال مردم در مقابل آن وضعیت بود، و بحث سناریوی سیاه این بود که حزب ما باید شرایطی را برای اجتناب از این سناریو بوجود بیاورد. اما از زمان روی کار آمدن خاتمی صحبت از عروج جنبش سرنگونی شد و منصور حکمت در انترناسیونال دوره قدیم شماره ۳۰ از بمیدان آمدن جنبش توده ای برای سرنگونی جمهوری اسلامی حرف زد، در آنجا از احتمال انقلاب حرف زده شد. علاوه بر این دو سال بعد ۱۸ تیر و قیام مردم را داریم، و همین اوضاع سیاسی است که باعث میشود ما سخنرانی ها و قطعنامه های کنگره ۳ را از منصور حکمت بشنوم. بعد از آن و ۱۸ تیر ۴ سال بعد هم پیشکش چون پلنوم ۱۶ و بحث های کورش قبل از آن بود. اکنون سوال اینست که بحث "کانتکست" سناریوی سیاه در استراتژی کورش برای رفتن به سمت قدرت سیاسی از کجا آمده است؟ چرا جنبش سرنگونی و هرچه بیشتر به چپ چرخیدن جامعه و گسترش اعتراض علیه جمهوری اسلامی جای خود را به استیصال مردم در دوره سناریوی سیاه میدهد؟ بعداً به توجیهاات رفقای که درباره این مباحث کردند نکات دیگری را اشاره خواهم کرد.

بنابراین میانی اختلافات حادی که در رهبری حزب کمونیست کارگری وجود آمد بر سر استراتژی

تصرف قدرت سیاسی است و نظرات راستی که اشاره شد علیرغم عقب نشینی در دور اول این اختلافات بتدریج منسجم تر و همه جانبه تر شد. اولین بارقه های این نظرات در جلسه ای در دفتر سیاسی قبل از برگزاری پلنوم ۱۵ مطرح شد که هنوز منصور حکمت زنده بود اما بدلیل بیماری قادر به شرکت در جلسه نبود، یعنی طرح قرارى درباره "نافرمانی مدنی" همراه با قرارهای دیگری درباره تامین رهبری حزب در کوتاه مدت از طرف کورش مدرسی که هر دو با نقد جدی مواجه شدند و کنار گذاشته شدند. سپس مباحث مربوط به شرکت در دولت موقتی که بالاتر اشاره کردم در پلنوم ۱۶ حزب مطرح شد و بعداً بصورت اسنادی مکتوب شدند. در پلنوم ۱۶ در کنار این بحث مربوط به اوضاع سیاسی ایران بحث دیگری هم درباره حزب کمونیست کارگری بعد از منصور حکمت توسط کورش مدرسی مطرح شد که در واقع تئوری تحزب سیاسی تاکنونی حزب را عوض میکرد و بجای "وحدت نظر و اراده" در حزب خلاف جریان کمونیستی که مورد تاکید منصور حکمت بود بر "تعدد نظرات و وحدت اراده" تاکید داشت. معلوم شد که نظرانی خارج از جنبش کمونیسم کارگری در حزب کمونیست کارگری سر بلند کرده که مبیایست تئوری تحزب جدید باید برای آن جا باز کند. و بالاخره در این پلنوم بحث رهبری مطرح شد که ناظر بر برگشتن مجدد به طرح لیبر بود که منصور حکمت پس از بیماری آن را کنار گذاشت و بحث رهبری جمعی را برای حفظ وحدت رهبری مطرح کرده بود. این بحث در پلنوم ۱۶ بدلیل اختلاف بر سر آن به سر انجام نرسید اما در پلنوم ۱۷ تصویب شد. بدنبال، اختلاف بر سر قرارى در گرفت که خواهان تبلیغ شورا بود، "زنده باد شوراها". بحث شورا بطور کامل با مقاومت و مخالفت بلوکی که حول بحث رهبری در پلنوم ۱۶ همراه کورش مدرسی شکل گرفته بود مواجه شد. کل بحث که اسناد آنها اکنون علنی است این بود که تبلیغ شوراها بفتح حزب نیست و ذهن مردم را مغشوش میکند! بدنبال آن و در متن بحث شورا، بحث مجدداً به نقطه اصلی یعنی اختلاف بر سر بحث حزب و قدرت سیاسی کشیده شد. در واقع هسته اصلی این اختلافات درون رهبری حزب حول بحث استراتژی حزب برای تصرف

قدرت سیاسی متمرکز بود که در ابتدا با مباحثی که اشاره شد شروع شد، و در انتها هم حول آن و جایگاه انقلاب در این استراتژی به اوج خود رسید. در واقع این بعد از اتفاقی بود که در پلنوم ۱۸ افتاد و بلوک مقابل در اوج تفاهم و وحدت نظر در پلنوم و ارزیابی مثبت از فعالیت دوره گذشته در یک عمل هماهنگ و از قبل طراحی شده دو نفر از اعضای کمیته مرکزی را با اتکا به رای بلوکی کنار گذاشتند و کورش مدرسی بدنبال آن و در واقع برای جلوگیری از ضربه خوردن رای هم بلوکی هایش در کنگره ۴ اعلام کرد که در دور بعد لیبر حزب نخواهد شد. بدنبال آن و پس از برگزاری کنگره چهارم شمارش معکوس شروع شد. اینجا باید اشاره کنم که در متن این اختلاف اساسی بر سر سیاست و در این اواخر، بحثهایی که حول برکناری سردبیری نشریه آزادی زن، شکایات، و بمیان کشیدن سابقه مبارزاتی رفقا مطرح شدند که به مجرائی تبدیل شدند برای تشدید اختلافات از جانب منشیین در جهت بی اهمیت کردن اختلافات سیاسی و برجسته کردن این مسائل. این وضعیت پس از علنی کردن مباحث سیاسی در میان کادرهای حزب و سپس اعلام برپائی کنگره ۵، با رفتن این رفقا خاتمه یافت.

### واکنش به اختلافات سیاسی

در دور آخر اختلافات درون حزب، مباحث عجیبی در سمینارها و نوشته های منشیین در تحلیل و توجیه این اختلافات رخ داد که قابل باور نیست. در مقابل تاکید رفقای حزب در نقد بحثهای راست گفتند که این "انقلاب ایدئولوژیک" است. گفتند این بحثها "سه کلمه" (منظور مجلس موسسان + فراندوم + دولت موقت است) بود که یکیش از سر ناچاری بوده و یکی را هم پس گرفته و البته روی دولت موقت هنوز تاکید داشتند. در پاسخ به نقد این سیستم نظری، پرچمی که بر اساس آن در جامعه جنبش ها و احزاب سیاسی راست در فعالیت هستند، اطلاقی "سه کلمه" حیرت آور است. این را حتی توجیه کوکانه هم نمیشود نامید، طفره رفتن از پاسخ به نقد سیاسی، عدم صراحت در نقد یا در دفاع آن، و در نهایت بی مسئولیتی در قبال حزبی است که اعتبار و نفوذش را از رادیکالیسم و ماکزیمالیسم کمونیستی اش گرفته است. جالب این بود که علیرغم دفاع قاطع کورش

مدرسی از هسته اصلی این بحث و اضافه کردن بحث انقلاب دمکراتیک به آن و توجیه کردن بحث سوسیالیسم زود است، میگفتند که این بحثها مربوط به دو سال پیش بوده و چرا امروز به آن بند کرده اید؟ جائیکه زمانی این رفقا نیز معتقد بودند که "کمونیست ها عار دارند که نظراتشان را پنهان کنند"، وقتی از رفقای هم بلوک کورش در مورد این نظرات میپرسیدی جوابشان این بود که "تفتش عقاید" نکنید. انقلاب ایدئولوژیک، تست ایدئولوژیک و تفتیش عقاید و امثال آن موضوع دهها نوشته و نامه را تشکیل میدهد که در پاسخ به منتقدین سیاسی این نظرات سیاه شده بود. خود "انقلاب ایدئولوژیک" در پاسخ به نقد چپ از این نظرات بسیار جالب است. منصور حکمت گفته بود که دنیا صحنه جدال مکاتب نیست و تاریخ واقعی تاریخ جنبش های اجتماعی و طبقاتی است. و اکنون در صحنه

سیاست ایران با جنبش های واقعی و احزاب سیاسی واقعی متعلق به این جنبش های بورژوازی بر میخورد که همان پرچمی را بدست دارند و حول آن نیرو جمع میکنند که مشابه آن در حزب کمونیست کارگری بلند شده است، آنگاه انگشت بدهان میمانید که چگونه نقد این پرچم به انقلاب ایدئولوژیک مفتخر میشود. گویا فقط نقد به مثلاً سازمان اکثریت و جمهوریخواه و سلطنت طلب دربار پرچم راستشان حقانیت دارد و اگر در یک حزب کمونیستی مشابه آن سیاست و تاکتیک مطرح شد کسی نباید چیزی بگوید. به این توجه نداشتند که اگر این سیاستها با نقد و ایستادگی چپ مواجه نمیشد و کنار نمیرفت و به سیاست حزب تبدیل میشد اکنون از پایه طبقاتی و اجتماعی حزب کمونیست کارگری چیزی نمانده بود. حتی در مقابل پیشنهاد تصویب یک قرار مبنی بر اینکه این نظرات متعلق به جنبش و حزب کمونیست کارگری نیست، بدون اشاره به اسم و نام رفیقی، با تفتیش عقاید جواب میدادند. گویا اینها فقط عقایدی هستند که کسی در پس ذهنش داشته است و نه سیاستی که میخواست استراتژی تصرف قدرت را مطرح کند. و امروز میبیند که در اطلاعیه اعلام موجودیت حزبشان کل این بحث را در یک بسته بندی بظاهر چپ به پلتفرمشان بدل کرده اند: پیش شرط تحقق انقلاب اجتماعی در گرو تصرف قدرت سیاسی است، انقلاب علیه خود که

معنی ندارد، بنابراین نحوه تصرف قدرت سیاسی است که بند را آب میدهد. در متن این اختلافات و جوابهای این رفقا نکات متعددی وجود دارد که پرداختن به همه آنها حوصله را سر میبرد. اما به یک جنبه مهم آن باید اشاره کنم که بسیار عجیب است، مساله "کرد و فارس". در جریان مباحث شنیده میشد که این بحثها باعث شد کسانی موضوع را به اختلاف کرد و فارس بدل کنند. من مانده بودم که در حزب ما چگونه چنین بحث ارتجاعی میتواند مطرح شود. در رهبری حزب هیچ جائی قطعاً چنین بحثی مطرح نشده بود و این رفقا هم چنین ادعائی ندارند. اما کورش مدرسی در اولین سمینارشان در ۴۰ روز پیش اشاره کرد که من قبلاً هم گفته ام که این بحث چپ و راست را مطرح نکنید، رفقای که با من تداعی میشوند با این بحثها مخالف بوده اند (منظور همان فراندوم و مجلس موسسان و دولت موقت و مردم از سوسیالیسم رم میکنند است) و این لباس به نشان نیرو و اگر شما این لباس را به نشان بکنید جامعه مهر "کرد" را به پیشانی آنها میچسباند. بگذریم که تا آنوقت نه در نوشته ای و نه در جلسه ای کسی به این رفقا "جناح راست" نگفته بود و نمیباست گفته میشد. اما حتی فرض کنید که گفته شده، سوال اینست که فراندوم، نافرمانی مدنی، مجلس موسسان، دولت موقت، رم از سوسیالیسم کدامیک عنصر "کرد" را در خود دارد. فراندوم چه ربطی به کرد دارد و بقیه هم هیچ ربطی ندارد. و در نتیجه معلوم نیست که اگر کسی به رفقای هم بلوک کورش مدرسی جناح راست گفته بود چرا جامعه باید مهر "کرد" به آنها بچسباند؟ من در سمینارم از کورش مدرسی خواستم که این را توضیح دهد که با توجه به این نکات به چه دلیل محل تولد رفقای از طرفداران خودش را به جامعه معرفی میکنند؟ جوابی نداد. پس از این بحث کورش در واقع سر نخ این نکته بنوعی معلوم شد. این بحث و این تحلیل کورش مدرسی در واقع تبدیل به این شده که گویا طرف مقابل بحث ارتجاعی کرد و فارس را دامن میزند. عجیب نیست؟ عجیب است بخاطر اینکه منصور حکمت و خود کورش مدرسی به عبدالله مهدی که گفته بود بمن ناسیونالیست میگوئید چون محل تولدم را میدانید جواب داده بودند. منصور حکمت گفته بود

که سالها تلاشمان این بود که شما محل تولدت یادت برود. عجیب است که با این سابقه در مورد این بحث و با توجه به اینکه موضوع مورد اختلاف در حزب هیچ ارتباطی به ناسیونالیسم کرد نداشت، کورش مدرسی از محل تولد این رفقا حرف میزند و البته در پوشش انتقاد از طرف مقابلش که به آنها جناح راست نگوئید. لابد کورش مدرسی اینرا بخوبی میداند که هر بحثی در نقد یک نظر و خط راست لزوماً رجوعش به ناسیونالیسم نیست. من هنوز دلیل این بحث برایم روشن نیست اما آنچه میشود استنباط کرد اینست که در پوشش این بحث دارد طرف مقابل را به چیزی متهم میکند که خود مطرح میکند و باید پرسید که آیا اینهم روشی برای متحد نگاه داشتن این رفقا در یک بلوک است؟ امیدوارم چنین نباشد. در انتها باید به نحوه ای که این رفقا به منصور حکمت نیز رجوع کردند اشاره ای بکنم. بالاتر نشان دادم که طرح کورش مدرسی و استدلالات وی چگونه در مقابل نظرات منصور حکمت قرار میگیرد. در مباحثی که در این دوره صورت گرفت به اشکال مختلفی چه بشکل مستقیم و چه غیر مستقیم منصور حکمت زیر سوال برده میشد. از جمله منصور حکمت به دوره های مختلف تقسیم میشد، بحثهای منصور حکمت از کانتکتست واقعی اش خارج میشد و پیوستگی تاریخی نظرات وی زیر سوال قرار میگرفت. حتی مستقیماً رحمان حسین زاده در سمینار "حزب و انقلاب" حمید تقوایی بطور عجیبی به این نکته اشاره کرد که منصور حکمت در مواردی خود را نقد کرده است و مشخصاً اینرا در بحث حزب و قدرت سیاسی مطرح میکرد. یا مباحث منصور حکمت راجع به شوارب دوره گذشته حواله میشد و اعتبارش برای امروز بطور ضمنی زیر سوال میرفت. حتی کورش مدرسی در این اواخر در یکی از سمینارهایش برای دفاع از بحث "رم از سوسیالیسم" به نقل از منصور حکمت اشاره به جلوگیری از اعتصاب کارگر را مطرح کرد. این قطعاً یک جعل است و نیازی به توضیح در مورد آن نیست، آنچه که مربوط به این اشاره کورش مدرسی میشود مربوط است به بحث منصور حکمت درباره "رفاه فورا" که آنرا در متن بحث خارج کردن نیازهای اساسی جامعه از زیر دست بازار مطرح میکند و مطلقاً صحبتی از

این اشاره کورش مدرسی وجود ندارد. این بحث منصور حکمت در دو سمینار "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود" و "مبانی کمونیسم کارگری" مطرح شده است که هر دو بطور علنی در اختیار مردم قرار دارد و در سایت منصور حکمت وجود دارند. اینها البته بنظر من از سر قصد و با نیت زیر سوال بردن منصور حکمت نبوده بلکه مخصصه ای که این رفقا در جریان اختلافات سیاسی پیش آمده دچار آن شده بودند آنها را ناگزیر میکرده که برای توجیه یا در مواردی برای اثبات حقانیت حرفشان به تحریف و یا انتساب نکات غیر واقعی و نادرست به منصور حکمت نیز بشوند و یا تفسیر دلخواهی خود را از مباحث وی بدهند. این روش بدون شک در درجه اول لطمه به حیثیت سیاسی خود منشیین است چون منصور حکمت را میشود خواند و فهمید. بنظر میرسد با راهی که منشیین در نظر گرفته اند هر چه بیشتر مجبور میشوند که تئوریه و نظرات منصور حکمت را زیر سوال ببرند.

انشعاییون با اطلاعیه اعلام موجودیتشان نشان دادند که به نظرات کورش مدرسی که تاکنون در مقابل آن سکوت و مماشات کرده بودند محلق شده اند، بعید است که معنی آن جمله بیانیه و ارتباطش با نظرات راست مورد نقد را نفهمیده باشند. این موضوع آینده این گروه بعنوان حزبی که چپ باقی بماند را بطور جدی زیر سوال قرار داده است، حکمتیست پیش کش. در کوتاه مدت ممکن است چنین بنظر نیاید اما کورش مدرسی یک سیستم نظری منسجم دارد که از دو سال پیش تعمیق شده و نظرات وی به بیانیه حزبشان هم راه پیدا کرده است. با توجه به اینکه حزب منشیین هنوز خود را به منصور حکمت متصل میکند لازم است که هر نوع راستروی و تحریف منصور حکمت از جانب آنها را در مقابل جامعه گذاشت و نقد کرد و نباید اجازه داد مبانی فکری و پراتیکی و دستاوردهای منصور حکمت در این میان مورد تعرض قرار بگیرد. منصور حکمت و حزب کمونیست کارگری امید طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران و کل بشریت برای رهائی از نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم است، باید از منصور حکمت و از حزب او، حزب کمونیست کارگری ایران، دفاع کرد. \*

## اعتراض مردم و جوانان گناوه در استان بوشهر

بنا به خبری که حزب دریافت کرده است روز سه شنبه ۳ شهریورماه، شهر گناوه در استان بوشهر شاهد اعتراض گسترده مردم و جوانان این شهر بر علیه جمهوری اسلامی بود. این اعتراض زمانی آغاز شد که مردم با خبر شدند که مقامات مسئول می خواهند بیمارستان این شهر را تعطیل و یا به یک شهر دیگر منتقل کنند. این انگیزه ای شد که نزدیک به ۴ هزار نفر از مردم جوانان گناوه در خیابانهای این شهر به حرکت درآیند و نفرت و انزجار عمیق خود را نسبت به جمهوری اسلامی و سیاستهای ضد انسانی این رژیم به نمایش بگذارند. بنا به خبر، حضور جوانان در این اعتراض پر شور، چشمگیر بوده است.

تظاهرکنندگان علیه جمهوری اسلامی شعار دادند و در همان حال خواستار توقف طرح انتقال و یا تعطیلی بیمارستان شهر شدند. در جریان این تظاهرات مردم به ساختمانها و دواير دولتی حمله کردند و این نهادها را به آتش کشیدند. تظاهرات مردم و جوانان گناوه با خشونت نیروهای دولتی روبرو شد و بنا به خبر دریافتی شماری از تظاهرکنندگان زخمی شدند. حرکت و اعتراض قهرمانانه جوانان و مردم گناوه پاسخی قاطع به رژیممی است که در هراس از بالاگرفتن اعتراضات مردم سیاست سرکوب خود را در ماههای اخیر شدت داده است. این نمایش

اعتراضی مردمی است که روز و شب آرزوی سرنگونی جمهوری اسلامی را دارند. عمر رژیم اسلامی به سر آمده است. هیچ چیز نمی تواند رژیم نکتب اسلامی را نجات دهد. جمهوری اسلامی باید سرنگون شود. خواستها و مطالبات انسانی و برحق مردم باید فوراً پاسخ گیرند و به کرسی نشاند شوند. حزب کمونیست کارگری همه کارگران، جوانان، زنان و مردم تحت ستم ایران را به جمع شدن به دور پرچم حزب برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جامعه ای آزاد، انسانی، برابر و مرفه فرا می خواند.

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۵ شهریور ۱۳۸۳ - ۲۶ اوت ۲۰۰۴

## به حزب کمونیست کارگری کمک مالی کنید

## مبارزه کارگری علیه خطر اخراج و بیکارسازی

روز ۴ شهریورماه ۳۰۰ کارگر کارخانه نساجی کردستان در اعتراض به نداشتن امنیتی شغلی دست به اعتراض زدند و طرحهای مدیریت کارخانه مبنی بر اخراج کارگران را محکوم کردند. اخراج و بیکارسازی یکی از مشکلات عمده ای است که گریبان کارگران و بویژه کارگران صنایع نساجی در ایران را فرا گرفته است. دامنه و میزان اخراج و بیکارسازیها و همینطور مبارزه و اعتراض کارگران در مقابل آن نیز وسیع و گسترده است. این اخراجها به بهانه های مختلف و از جمله "کمبود نقدینگی" و یا "بازسازی صنایع" صورت می گیرد. سرمایه داران و حکومتشان با سیاست ضدکارگری اخراج و بیکارسازی تلاش میکنند که کارگران را به موضع تدافعی بکشانند و فشار و استثمار و بی حقوقی بیشتری را به آنها تحمیل کنند. مبارزه علیه بیکارسازیها

بنابراین برای کارگران از اهمیت بسیاری برخوردار است. چرا که عقب راندن رژیم در این عرصه برای کارگران تنها بمعنای حفظ شغلشان نیست، بلکه کارگران را در موضع قوی تری در مقابل سرمایه داران و حکومتشان قرار خواهد داد. کارگران! یکپارچه و متحد علیه بیکارسازیها و اخراجها باید ایستاد. رژیم اسلامی در بحران همه جانبه ای بسر میرود. دورنمایی برای تخفیف بحران و ناراضاتی ندارد. چنان در معرض فشار و اعتراض شما قرار دارد که ایادی ضدکارگرش مثل خانه کارگرها مرتباً از خطر یک انفجار کارگری حرف می زنند. این واقعیت گواه دیگری است که نیروی طبقه کارگر چه نقش تعیین کننده ای در تمام کردن عمر ننگین جمهوری اسلامی دارد. در همه جا مجامع عمومی خود را برپا دارید و از

**حزب کمونیست کارگری ایران**  
۶ شهریور ۱۳۸۳ - ۲۷ اوت ۲۰۰۴

به سازمانها و اتحادیه های کارگری

## موضوع احضار ۴ نفر از فعالین کارگری ایران به دادگاه توسط جمهوری اسلامی

دادگاههای اسلامی آغاز کرده ایم و یک بار دیگر به کمک و حمایت شما نیاز داریم. جمهوری اسلامی حتی به هیئتی از جانب کنفدراسیون اتحادیه های آزاد بین المللی که می خواهند برای بررسی این مساله به ایران بروند ویزای ورود نداده است. ما از شما می خواهیم که:

- ۱- با اعتراض به دادگاهی کردن فعالین اول مه سقز از حقوق کارگران در ایران دفاع کنید.
- ۲- جمهوری اسلامی را به خاطر حمله به صفوف اول مه کارگران در شهر سقز قاطعانه محکوم کنید. ۳- خواهان رفع کامل اتهام از این چهار تن از فعالین کارگری شوید. از حق بدیهی کارگران برای برپایی مراسم اول مه دفاع کنید. ۴- از خواست کارگران ایران مبنی بر آزادی تجمع و تشکل و اعتصاب به هر طریق ممکن پشتیبانی کنید.

دوستان عزیز!  
همانگونه که در جریان هستید پس از یک کمپین بین المللی علیه جمهوری اسلامی ایران این حکومت ناچار شد شماری از فعالین کارگری را که در مراسم اول مه امسال در شهر سقز دستگیر کرده بود آزاد کند. حکومت ایران زیر فشار اعتراضات وسیع در ایران و در سطح جهان، این کارگران را موقتاً آزاد کرد اما اکنون چهار نفر از آنها بنامهای محمود صالحی، برهان دیوارگر، جلال حسینی و محمد عبیدی پور را به دادگاه احضار کرده است و می خواهد آنها را محاکمه و محکوم کند. خطر زندان و شکنجه مجدداً بالای سر این کارگران قرار گرفته است.

آزادی این کارگران از چنگال دیکتاتوری اسلامی که دستش به خون هزاران کارگر و مخالف رژیم آغشته است یک موفقیت بزرگ برای کارگران و مردم ایران بود. اکنون ما یک کمپین بین المللی را برای خلاصی کامل این کارگران از زیر فشار جمهوری اسلامی و

با احترام  
**کاظم نیکخواه**  
دبیر کمیته خارج کشور  
حزب کمونیست کارگری ایران

## تلویزیون انترناسیونال

هر شب ساعت ۸ تا ۹:۳۰ به وقت تهران

مشخصات فنی آنتن

Satellite: Telstar 12  
Center Frequency: 12608 MHz  
Symbol Rate: 19279  
FEC: 2/3  
Polarization: horizontal

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!